

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ارسال و افزوده از: حمید محوی

۱۰ دسمبر ۲۰۱۲

حادثه ای دیگر در پارس جنوبی



«با نهایت تأسف، رضا رستمی کارگر اسکلت بندی (فورمن استراکچر) اهل نورآباد، روز گذشته (شنبه ۱۸ آذرماه [قوس] ۱۳۹۱) به علت پرت شدن از اسکلت فوت کرد. وی در شرکت هانمک، پیمانکار شرکت پتروپارس در فاز ۱۹ طرح توسعه پارس جنوبی، مشغول به کار بوده است. این کارگاه بین کنگان و عسلویه واقع شده است. چند روز قبل نیز کارگری به نام دانیال به علت نبود وسایل ایمنی سقوط کرده و هم اکنون در بیمارستان شیراز بستری است و حال وی وخیم گزارش شده است.

پرسش اصلی این است که تا کی باید کارگران بهای سودطلبی شرکت های پیمانکاری و سرمایه داران را با جان خود بپردازند؟ در حالی که هزینه های ایمن سازی محیط های کار بسیار کمتر از هزینه های ناشی از فوت، درمان و نقص عضو کارگران است.

در نبود تشکل های مستقل کارگری، انگار اراده ای برای چنین کاری وجود ندارد. هنگامی که وزیر محترم نفت کشته شدن کارگران را با کشته شدگان جنگ مقایسه می کنند و آن را امری طبیعی و اجتناب ناپذیر تلقی می کنند، در واقع به کارفرمایان سودجو مجوز ادامه کار بدون رعایت ایمن سازی محیط های کار را به بهای جان کارگران و از هم پاشیدن خانواده هایشان می دهند.»

منبع :

blogspot.fr/2012/12/blog-http://kanoonmodafean1

[html#more.۹_post](#)

تفسیر از گاهنامه هنر و مبارزه

چنین خسارات جبران ناپذیری، هر روز و دائماً روی می دهد، آتش سوزی در بنگلادش که به مرگ «بخوانید جزغاله شدن» ۱۲۰ تا ۲۰۰ کارگر دوزنده انجامید، جدا از این فاجعه جدید نیست.

چنین خسارات جانی برای کارگران ایرانی در شرایطی به وقوع می پیوندد که رسانه های داخل و خارج دائماً درباره حضور نوحه خوانان و دعا نویسان در سرنوشت مملکتان گزارش می دهند.

موضوع مقابله جمهوری اسلامی ایران با جهانی شدن «شیوه زندگی امریکائی» در چنین موارد نشان می دهد که شیوه زندگی که نوحه خوانهایی مثل سعید حدادیان ها برای آن نوحه می خوانند، نه تنها از شیوه زندگی امریکائی (در خود امریکا) نازل تر است بلکه در عین حال نشان می دهد که سرمایه در دوران ما یک اتحادیه جهانی است و در همه جا به ویژه در کشورهای جهان سوم به شکل یکسان عمل می کند.

در این جا باید از مؤمنین و مسلمانان ایرانی پوزش بطلبم، زیرا به هیچ عنوان قصد بی احترامی به مقدسات و باورهای دینی آنها را ندارم و به هیچ عنوان نیز نمی خواهم که این قطعه با سازوکار رسانه های امپریالیسم جهانی و اپوزیسیون های خائن و مزدور - آنها تحت شرایط حساس فعلی، برای سیاه نمائی و ابلیس نمائی مسلمانان در اتحاد قرار گیرد

متأسفانه همان رسانه های امپریالیستی نیز از ضعف ها و کاستی های همین جوامع برای اهداف غیر انسانی و جنایتکارانه خود سوء استفاده می کنند.

من غالباً به دلیل خصومت آشتی ناپذیری که با اپوزیسیون های ایرانی در خارج از کشور دارم، در عرصه نقد کمتر از این زاویه به مسائل پرداخته ام.

ولی امروز می بینم که بین این نوحه خوانی ها و بنیادهای فکری آن و مسائل و تراژدی هایی که در کشور ما به وقوع می پیوندد رابطه مستقیمی وجود دارد

از دیدگاه نوحه خوانی و شیعه گری : **مرگ رضا رستمی ها** به امور عینی و نبود رعایت ایمنی در محیط کار تعبیر نمی شود، بلکه به **گناهکاری های فردی و عمومی نسبت داده می شود**، همانگونه که فقر و ثروت به داده های الهی نسبت داده می شود.

به عبارت دیگر همانگونه که روانکاوان در جوامع غربی بهترین متحدان نظام سرمایه داری هستند و مشکل بیکاری را می خواهند به عقده ادیب و روندهای ناخودآگاه نسبت دهند، در جامعه ایرانی ما نیز نوحه خوان ها و روضه خوانها و رسانه های مذهبی مثل مسجد و امام زاده نیز به عنوان بهترین متحدان نظام سرمایه داری عمل می کنند. من فکر می کنم که اگر بنابراین است که بین پیشگامان ایران اتحادی صورت گیرد، خارج از فضای اپوزیسیون های خائن و مزدور، پیرامون چنین مسائلی باید راه اندازی شود، و نه تنها افشاءگری که ما برای یکدیگر ایمیل بفرستیم و افشاء گری کنیم - که به جای خود ضروری و حائز اهمیت نیز هست - بلکه باید راهکارهایی برای حرکت عینی برای مقابله با چنین فجایعی اختراع کنیم

گزارشی از کانون مدافعان حقوق کارگر

۹ دسامبر ۲۰۱۲